

## زمینه‌های گرایش به رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان شهر کاشان

محسن نیازی\* ، محمد سلیمان نژاد\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۵

### چکیده

گرایش به رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان به یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع امروزی تبدیل شده است. این مطالعه باهدف بررسی کیفی پدیده رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان درصدد است تا درک روشنی از دلایل و زمینه‌های گسترش آن را فراهم نماید. این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد گراند د تئوری انجام شده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند و با راهبرد نمونه‌گیری نظری انجام شده و روش جمع‌آوری داده‌ها نیز مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۲۵ نفر از افراد، شامل دو گروه دارای رفتارهای پرخطر و مطلع از آسیب‌های اجتماعی در شهر کاشان بوده است. یافته‌ها متشکل از ۴۸ کد مفهومی و ۱۱ مقوله اصلی شامل: زمینه خانوادگی، احساس تنهایی، شرایط محیطی آسیب‌زا، چالش اقتصادی و میل به لذت طلبی به‌عنوان شرایط علّی، گسست روابط بین فامیلی، احساس بی‌عدالتی و کژکارکردی نهادی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای و اثرپذیری رسانه‌ای، باورهای نادرست و چشم‌وهم‌چشمی در محور شرایط مداخله‌گر دسته‌بندی شده‌اند. پدیده اصلی پژوهش با توجه به مقولات شکل گرفته با عنوان «رفتارهای پرخطر محصول بی‌سازمانی اجتماع» نام‌گذاری شده است. بدین ترتیب، بی‌سازمانی اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه شکل‌گیری رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان شناسایی گردیده است.

**واژه‌های کلیدی:** رفتارهای پرخطر، زمینه خانوادگی، کژکارکردی نهادی، چالش

اقتصادی، میل به لذت طلبی.

## مقدمه

شکل‌گیری اهداف، ارزش‌ها و عقاید در سال‌های نوجوانی و تحت تأثیر گروه‌هایی که نوجوانان در آن‌ها رشد می‌کنند، صورت می‌گیرد. اگرچه به‌طور کلی مردم از آزادی و اختیار فراوانی در مورد رفتارهای خود برخوردار هستند، اما رفتارهایی که برای سایر افراد جامعه آسیب‌زا هستند باید کنترل شوند (Siegel, 2012: 12). رفتار به‌عنوان عملی تعریف می‌شود که برخلاف واکنش‌های غیرارادی، حاکی از تصمیم و انتخاب فرد است. اکثر رفتارهای جوانان و حتی بزرگسالان ناشی از عوامل مختلف جامعه‌پذیری شامل: خانواده، مدرسه، محله و گروه‌های همسالان است (Bonino & et al, 2005: 7). از دوره نوجوانی رفتارهایی که در ابعاد مختلف جسمانی، روانی و اجتماعی برای افراد و جامعه آسیب‌هایی به همراه دارند و با عنوان رفتارهای پرخطر شناخته می‌شوند، نمود می‌یابند.

آسیب‌های اجتماعی، رفتارهای عجیب، غیرمعمول، انحرافی و یا هر عمل دیگری که مغایر با هنجارهای اجتماعی هستند را در برمی‌گیرد (Siegel, 2012: 12). این‌گونه رفتارهای پرخطر از نظر اخلاقی خارج از هنجارهای مورد قبول بزرگسالان بوده و از نظر اجتماعی رفتارهایی منفی تلقی می‌شوند که به‌شدت توسط رسانه‌ها، مؤسسات و سایر بزرگسالان محکوم می‌گردند. رفتارهای پرخطر به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، رفتارهایی است که تهدیدکننده سلامت خود فرد است و گروه دوم رفتارهایی را شامل می‌شود که تهدیدکننده سلامت و آرامش افراد دیگر جامعه است (ماهر، ۱۳۸۳: ۱۲۰). در یک تقسیم‌بندی دیگر، مواردی چون استعمال سیگار، مصرف الکل، مصرف مواد مخدر، داشتن رابطه جنسی، خشونت، استفاده از داروهای آسیب‌زا و روان‌گردان، به‌عنوان مهم‌ترین رفتارهای پرخطر در نظر گرفته شده‌اند (Bonino & et al, 2005: 34). آسیب‌های اجتماعی و رفتاری، می‌توانند در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر نامساعدی روی سلامتی افراد داشته باشد و به‌شدت سلامتی دوره بزرگسالی را نیز تحت تأثیر قرار دهند (Crosby & et al, 2009: 4). با توجه به خصوصیات دوران نوجوانی هدف افراد از انجام رفتارهای پرخطر می‌تواند برای تأیید و هویت‌یابی جهت عضویت در

گروه باشد، یا این‌که ممکن است به دیگران نشان دهند که آن‌ها بزرگ شده‌اند (Bonino & et al, 2005: 41).

انجام رفتارهای پرخطر مانند نوشیدن الکل، رفتارهای جنسی محافظت نشده، خشونت و غیره به‌طور سریعی وجهه خانوادگی و موقعیت محله‌ای را با پیامدهای اقتصادی ناگوار مواجه می‌نماید. صنعتی شدن و شهرنشینی فرصت‌های بیشتری را برای انجام رفتارهای پرخطر جوانان فراهم ساخته و در مقابل واکنش‌های جدیدی برای این‌گونه از رفتارها به دنبال داشته است (Carrabine & et al, 2009: 23). هرچند همه گروه‌های سنی در معرض رفتارهای پرخطر هستند، اما در دوره نوجوانی به دلیل ویژگی‌های این مرحله مهم از رشد، بیشتر در معرض رفتارهای پرخطر قرار می‌گیرند (Rensburg & Surujlal, 2013: 1). درگیری افراد سنین پایین‌تر در رفتارهای پرخطر، نه‌تنها زندگی حال آنان را تهدید می‌کند، بلکه حتی بر کیفیت زندگی آنان در بزرگسالی و سالمندی نیز تأثیرگذار است (Beirne & et al, 2011: 113). این رفتارها، مسئله عمده نگرانی‌های بهداشت عمومی است و به سلامتی و رفاه فرد صدمه می‌زند و علت بسیاری از مرگ‌ومیرها و بیماری‌های نوجوانان و جوانان می‌باشد (Tu & et al, 2012: 75).

مطابق آمارهای موجود، شایع‌ترین علل مرگ‌ومیر جوانان و نوجوانان زیر ۲۵ سال در ایران، در مرتبه اول، تصادفات رانندگی و سپس مسمومیت‌های ناشی از الکل، مواد مخدر و خودکشی بوده است (احمدی و معینی، ۱۳۹۴: ۲). از دیدگاه چارلز رایت میلز آنچه باعث توسعه جوامع می‌شود و به مردم کمک می‌کند تا شهروندان فعال‌تری شوند "نخیل جامعه‌شناختی" است. بر این مبنا وظیفه مددکار اجتماعی است که در مقابل بسیاری از مشکلات جوامع بشری احساس مسئولیت داشته و ضمن مطالعات نظری در مورد رفتارهای انحرافی و پرخطر توانایی فهم و تمایز رفتارهای غیرمعمول از رفتارهای بهنجار را داشته باشد.

هرچند پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع رفتارهای پرخطر در شهرهای مختلف ایران نشان از مسئله مند بودن این پدیده می‌دهد؛ اما تاکنون پژوهشی در رابطه با

رفتارهای پرخطر در شهر کاشان انجام نشده است. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این مسئله که بروز رفتارهای پرخطر می‌تواند به‌عنوان یک مانع جدی در راه شکوفایی استعداد های فردی، توسعه و ترقی قلمداد شود و سلامت جسمی، روانی و اجتماعی جامعه را به خطر اندازد و صدمات و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر افراد جامعه وارد سازد، انجام شده است. این پژوهش درصدد است تا عوامل زمینه‌ساز رفتارهای پرخطر را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. از آنجایی که پی بردن به عوامل زمینه‌ساز گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان نیاز به تجربه زیسته افراد درگیر در آن دارد، این پژوهش از روش کیفی برای بهره گرفته است. دلیل این‌که برای این مطالعه شهر کاشان انتخاب شده است؛ این است که کاشان طی ۴ دهه گذشته و بخصوص در سال‌های اخیر بر اثر جابجایی جمعیتی و مهاجرت دچار تغییرات بیشتری شده است (شاطریان و گنجی پور، ۱۳۸۹: ۸۵) و به نظر می‌رسد مکان مناسب‌تری برای بررسی آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر است.

در این پژوهش سعی شده است مصادیق رفتارهای پرخطر بر اساس دیدگاه و تجارب نوجوانان و جوانان شهر کاشان بازگو شود. همچنین در مرحله بعدی بر مبنای فهم و روایت‌های سوژه‌های پژوهش، شرایط و عواملی که زمینه‌های شکل‌گیری رفتارهای پرخطر را فراهم می‌نمایند، تبیین گردد.

### پیشینه تجربی

در این بخش، پژوهش‌های کمی و کیفی مرتبط با موضوع رفتارهای پرخطر ذکر گردیده است.

رحمتی نجار کلائی و همکاران (۱۳۹۰) در یک مطالعه کیفی با عنوان خانواده و نقش آن در بروز رفتارهای پرخطر ایدز به روش تحلیل درون‌مایه‌ای و از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته به نتایج زیر دست یافته‌اند: ضعف حمایتی و عدم حمایت کافی از طرف خانواده علت اصلی گرایش به رفتارهای پرخطر بوده است. ایشان راه‌حل

زمینه‌های گرایش به رفتارهای پرخطر در بین ... ۱۷۳

کاهش رفتارهای پرخطر و ایدز را در افزایش حمایت خانواده از نوجوانان و مداخلات خانواده محور معرفی نموده‌اند.

مرقاتی خویی و همکاران (۱۳۹۳) یک مطالعه کیفی با عنوان اولویت‌بندی رفتارهای پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان مدارس دولتی منطقه پنج تهران به روش تحلیل محتوا انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اعتیاد، رفتار پرخطر جنسی و رفتارهای نابهنجار اجتماعی در بین پسران به ترتیب بیشترین اولویت را داشته است. در بین دختران نیز رفتارهای پرخطر جنسی، ازدواج زودرس، عادات غذایی ناسالم، کم‌تحرکی و نگرانی از آینده شغلی و تحصیلی به ترتیب در اولویت بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهد؛ روند جامعه‌پذیری و حمایت و مراقبت از نوجوانان در گرایش به رفتارهای ذکرشده نقش اساسی داشته‌اند.

آتش نفس و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی کیفی با عنوان رفتارهای پرخطر شایع و عوامل خانوادگی مؤثر بر آن از دیدگاه نوجوانان شهر سمنان به روش تحلیل محتوایی با نمونه‌گیری هدفمند در بین ۹۸ دانش‌آموز دختر و پسر انجام داده‌اند. در این پژوهش علاوه بر معرفی رفتارهای پرخطر، مهم‌ترین عوامل گرایش به این رفتارها، مربوط به شیوه‌های فرزند پروری والدین و فضای روانی موجود در خانواده بوده است. محمودی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتارهای پرخطر در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی که با روش کمی و پیمایشی با نمونه ۳۷۴ نفر از دانشجویان انجام داده است به نتایج زیر دست یافته است: میانگین گرایش به رفتارهای پرخطر در دانشجویان حدود ۹۳ درصد بوده است و بین متغیرهای دلبستگی به خانواده، تعهد اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی، باور به اصول اخلاقی و ارزش‌های جامعه، همنشینی با گروه همسالان و استفاده از رسانه‌های جمعی با گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه وجود داشته است.

علیزادگانی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان بررسی علل گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر تهران به روش کیفی و مصاحبه نیمه

ساختاریافته با ۲۰ دانش‌آموز انجام داده‌اند. یافته‌ها در مقوله عوامل فردی شامل لذت‌جویی، کنجکاوی، کسب هویت، اعتماد به نفس کاذب و قهرمان‌نمایی بوده است و در عوامل وابسته مربوط به بافت و زمینه؛ ارتباط ناهمسالان، سرگرمی با موبایل، دسترسی آسان و ارزان به مواد، میهمانی‌های مختلط، نبود مکان تفریحی و ورزشی، ناآگاهی والدین و محدودیت مالی را شناسایی کرده‌اند. نتیجه پایانی پژوهش حاکی از عدم مهارت و آموزش‌های لازم برای خواسته‌های سنی مصاحبه‌شوندگان بوده است.

رضایی جمالویی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان نجف‌آباد، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای در بین ۲۴۷ نفر از دانش‌آموزان به بررسی مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر شامل رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن و مصرف الکل پرداخته‌اند. به‌طورکلی نتایج نشان می‌دهد سبک‌های دلبستگی نقش مهمی در گرایش یا پیشگیری از گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر دارد.

در پژوهش‌های خارجی، بال<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان کنترل تأثیرات عوامل خانوادگی بر روابط بین جوانانی که در معرض بزهکاری قرار گرفته‌اند به روش کمی انجام داده است، در این پژوهش عقیده دارد بزهکاری نوجوانان به‌عنوان یک مسئله اجتماعی رو به رشد، جدی و پرهزینه در ایالات متحده معرفی شده است. به نظر بال، نوجوانان پسر نسبت به نوجوانان دختر نسبت بالاتری از انجام جرم و دستگیری را دارا هستند. به‌طورکلی، در این پژوهش، به نقش محرک‌های تنش‌زا و سن بزهکاری اشاره شده است؛ بدین ترتیب که این محرک‌های تنش‌زا، سن بزهکاری را پایین می‌آورند.

رایت و فیتز پاتریک<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) به رفتارهای خشونت‌آمیز در سطح خانواده، محله و مدرسه به روش کمی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که روابط بین والدین و فرزندان، احساس تعلق به مدرسه، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و شرکت در مراسم مذهبی با رفتار خشونت‌آمیز رابطه معنی‌دار دارند.

- 
1. Ball
  2. Wright & Fitzpatrick

تحقیقی با عنوان رابطه بین سرمایه اجتماعی و مصرف مواد توسط دانش‌آموزان دبیرستانی، به‌وسیله کوران<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، به شیوه کمی و در بین نمونه ۵۹۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی با استفاده از ابزار پرسشنامه به انجام رسیده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین ابعاد سرمایه اجتماعی و مصرف مواد (مصرف الکل، مصرف سیگار، مصرف تنباکو، مصرف داروهای مسکن، مصرف مواد مخدر)، رابطه معکوس و معناداری وجود داشته است.

تحقیقی با عنوان نظارت و ارتباطات والدین و اثرات آن بر مصرف مواد در نوجوانان شهری، توسط تابلر و کومرو<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، به شیوه پیمایشی و با نمونه ۲۶۲۱ نفر از جوانان ساکن شهر شیکاگو به انجام رسیده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین نظارت و کنترل والدین و تعاملات خانواده، با بروز رفتارهای پرخطر (مصرف الکل، مصرف سیگار، مصرف مواد مخدر)، رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد.

نتایج پژوهش گوتیرز و آتینزو<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) با عنوان وضعیت اجتماعی- اقتصادی، شهری و رفتارهای مخاطره‌آمیز جوانان مکزیکی: تجزیه و تحلیل سه پیمایش مقطعی، با نمونه ۱۷۹۷۴ جوان از ۷۰۴ منطقه مکزیکی، نشان داد که بروز رفتارهای پرخطر شامل مصرف تنباکو و الکل، رابطه جنسی و استفاده از کاندوم با اندازه محیط رابطه معناداری داشته است، به این معنی که هرچه اندازه محیط بزرگ‌تر باشد، بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز (الکل و مواد) بیشتر خواهد بود. همچنین، بین سطوح پایین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و بروز رفتارهای پرخطر رابطه معنادار و مثبتی حاصل آمد.

اسکینر و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی با بررسی رفتارهای پرخطر جنسی در میان نوجوانان و جوانان با والدین معتاد، به این نتایج رسیدند که دختران و پسران با والدین معتاد نسبت به گروه کنترل، تمایل بیشتری به رفتارهای پرخطر جنسی و همچنین سوء مصرف مواد دارند.

- 
1. Curran
  2. Tobler & Komro
  3. Gutierrez & Atienzo
  4. Skinner & et al,

ویزن بال و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، تحقیقی را با عنوان تجربه خشونت خانوادگی، مشکلات رفتاری دوره کودکی و رفتارهای پرخطر نوجوانان در دو دوره رشد نوجوانی و اوایل بزرگسالی با مطالعه طولی به انجام رسانیده‌اند. نتایج نشان داد که عوامل خانوادگی و وجود همسالان منحرف تأثیر معناداری بر بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز در نمونه مورد مطالعه (رانندگی در حال مستی، ورزش در حال مستی، مصرف سیگار، مصرف الکل، مصرف دارو، بزهکاری) داشته است.

تام و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) پژوهش دیگری با عنوان تأثیر بیگانگی بر سلامت نوجوانان پرتغالی، به شیوه پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه در بین نمونه‌ای از ۳۴۹۴ نوجوان پرتغالی که در پیمایش رفتارهای بهداشتی اروپا مشارکت داشتند، انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد، ارتباط مثبت و معناداری بین از خود بیگانگی اجتماعی (انزوای اجتماعی، بی‌معنایی، بی‌قدرتی، بی‌هنجاری) با رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامتی در بین نوجوانان وجود داشت.

داسپی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی کمی به رفتارهای مخاطره‌آمیز همسالان جوان: اثر محافظتی نمایش غیرکلامی و صمیمیت والدین پرداخته‌اند. نتایج حاکی از این بود که صمیمیت پدران هر ارتباط احتمالی بین همسالان منحرف و رفتارهای پرخطر را تعدیل می‌کرد، اما صمیمیت مادران به‌عنوان یک تعدیل‌کننده مهم ظاهر نشد. به‌ویژه دختران از صمیمیت پدران به‌عنوان یک عامل مهارکننده در مسیر رفتارهای پرخطر همسالان منحرف بهره‌مند می‌شدند.

شارمان و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی تأثیر عوامل حفاظتی بر استرس زندگی و سلامت رفتاری در بین جوانان دارای رفتارهای پرخطر را به روش کمی بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش به‌طورکلی پتانسیل عوامل حفاظتی برای تأثیرات فراوان

- 
1. Vezin Ball & et al.
  2. Tome & et al.
  3. Daspe & et al.
  4. Sharma & et al.



خطر تجمعی بر پیامدهای بهداشت رفتاری در بین جوانان ساکن محله‌های پرخطر را برجسته می‌کنند.

در رابطه با پیشینه‌های تجربی انجام یافته می‌توان بیان نمود که در بیشتر تحقیقات، صرفاً یک بُعد از رفتارهای پرخطر مانند: مصرف سیگار، الکل، خودکشی و غیره به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. انجام صرف توصیف متغیرها، یکی دیگر از نقدهای وارده بر تحقیقات پیشین است، بنابراین جنبه توصیفی این پژوهش‌ها قوی‌تر از جنبه تبیینی آن‌ها بوده است. همچنین در پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع رفتارهای پرخطر، نقش متغیرهای اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار نگرفته و عمدتاً از دیدگاه علوم پزشکی و روان‌شناختی به موضوع رفتارهای پرخطر پرداخته‌اند. همچنین بیشتر پژوهش‌های حوزه رفتارهای پرخطر به روش کمی و پیمایشی انجام شده‌اند، از این رو با روش کیفی بهتر می‌توان زوایای پنهان این پدیده را مورد واکاوی قرارداد.

### چارچوب مفهومی

در پژوهش کیفی از مفاهیم نظری برای پیشینه تحقیق، شکل‌گیری پرسش‌ها، استناد و مقایسه استفاده می‌شود (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۴-۱۷۰). در تبیین آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، رویکردهای نظری متعددی شکل گرفته است. در این پژوهش به‌منظور حساس سازی ذهن پژوهشگر نسبت به جوانب مختلف موضوع، به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود. در نظریه محیطی - اجتماعی بر نقش دوستان، والدین، ساختار خانواده و محیط در بروز رفتارهای آسیب‌زا تأکید می‌شود. مطابق این نظریه، والدین و خانواده نقش مؤثری در بروز رفتارهای پرخطر دارند. فرد ممکن است بروز رفتارهای پرخطر را به‌وسیله مشاهده و تقلید رفتار والدین یاد بگیرد. افراد تا موقعی که حمایت‌های لازم را دریافت نموده و روابط صمیمی با خانواده داشته باشند، کمتر احتمال می‌رود که به سمت رفتارهای پرخطر کشیده شوند. بر اساس این نظریه، با رشد فرد و استقلال از خانواده نقش و تأثیر دوستان نیز در رفتار نوجوان بیشتر می‌شود،

به‌طورکلی، فشار دوستان به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در بروز رفتارهای پرخطر شناخته شده است. نهادها و هنجارهای جامعه نیز ممکن است در بروز آسیب‌های اجتماعی تأثیر داشته باشد (Sales & Irwin, 2009: 39).

رسالت نظریه یادگیری اجتماعی شرح و توضیح فرآیندی است که به‌وسیله آن، الگوهای مجرمانه ترویج می‌یابند (Brown & et al, 2013: 311). بر طبق نظریه‌های یادگیری اجتماعی، انحراف امری آموختنی و رفتاری اکتسابی است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۱) که معمولاً از طریق مشاهده و الگوبرداری از هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مربوط به فعالیت‌های انحرافی شکل گرفته و به‌وسیله پیامدهای گوناگون مربوط به آن تقویت می‌شود. این نظریه بر آن است که برای شروع یک زندگی توأم با کج‌روی، جوانان قانون‌شکن باید نگرش‌ها، رفتارها و فنون لازم برای ارتکاب انحراف و سپس غلبه بر آشفته‌گی عاطفی را یاد بگیرند (سیگل و سنا، ۱۳۸۴: ۲۵۹).

یکی از آراء کلاسیک درباره یادگیری رفتار انحرافی، نظریه هم‌نشینی افتراقی ساترلند<sup>۱</sup> است. وی بر آن است که وقتی افراد، در حلقه‌های معاشرت و رفت‌وآمدهایی که دارند، نظام ارزش‌ها و هنجارهای مغایر ارزش‌های رایج اجتماع را بیشتر دریافت کنند، احتمال بروز رفتارهای انحرافی در آن‌ها بیشتر می‌شود (هیوز و کرولر، ۱۳۹۵: ۲۳۵). ساترلند معتقد است که پیوند افتراقی، چگونگی انتقال رفتارهای انحرافی را تبیین می‌کند و توضیح می‌دهد که رفتار انحرافی چگونه آموخته می‌شود. این نظریه رفتارهای افراد را در کانون توجه خود قرار داده (ویلیامز، ۱۳۸۳: ۹۸) و تأکید می‌نماید که فرایند یادگیری رفتار مجرمانه به‌وسیله دوستان بزهکار تعیین می‌گردد. فرایند نظریه پیوند افتراقی شامل موارد زیر است:

الف- رفتار تبه‌کارانه، مانند سایر رفتارها بر اثر کنش متقابل با دیگران به‌ویژه گروه دوستان آموخته می‌شود.

ب- فراگیری رفتار مجرمانه هم مستلزم یادگیری تکنیک‌های ارتکاب جرم و هم انگیزه‌ها، سائق‌ها و گرایش‌های مناسب برای بزهکاری است.

ج- انسان‌ها بدان سبب مجرم می‌شوند که فراوانی امکانات قانون‌شکنی، بر محدودیت‌های نامساعد آن پیشی گیرد.

د- پیوندهای تبهکارانه یک شخص می‌تواند از جنبه‌های خاصی همچون فراوانی، تکرار، طول مدت و شدت این تماس‌ها متفاوت باشد، بنابراین هر چه سطح تماس با افراد گروه‌های تبهکار برحسب این چهار متغیر بالاتر باشد، احتمال کژرفتاری بیشتر می‌شود (ریتزر، ۱۳۸۲: ۱۴۸ و ستوده، ۱۳۸۰)

در نظریه کنترل اجتماعی علت اصلی کجرفتاری فقدان کنترل اجتماعی از طرف عاملان رسمی و غیررسمی جامعه‌پذیری است. فرض اصلی نظریه کنترل اجتماعی این است که افراد به‌طور طبیعی تمایل به کجرفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند اقدام به کجرفتاری می‌کنند (Reckless, 1976: 88). به‌طورکلی نظریه کنترل بر این نکته تأکید دارد که پیوندهای سست بین افراد و جامعه آنان را آزاد می‌گذارد تا منحرف شوند، حال آنکه پیوندهای محکم موجب می‌شوند انحراف به بهای سنگینی تمام شود (استارک، ۱۳۹۵: ۲۲۲). هیرشی با الهام از دورکیم، معتقد است که رفتار انحرافی نتیجه ضعف پیوندهای فرد با جامعه عادی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۹).

بر اساس دیدگاه هیرشی<sup>۱</sup>، بین تعلق خاطر افراد بزهکار به خانواده، خویشاوندان، جامعه و تعهد و اعتقاد آنان به‌نظام هنجاری جامعه از یک‌جهت و احتمال بزهکاری آنان از جهت دیگر رابطه معکوس وجود دارد. هیرشی عناصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه را در این موارد می‌داند: ۱- دلبستگی<sup>۲</sup> ۲- تعهد<sup>۳</sup> ۳- مشغولیت<sup>۴</sup> و ۴- عقیده<sup>۵</sup> (گیدنز، ۱۳۹۲). هیرشی بر این باور است که یک نظام ارزشی پایدار در جامعه وجود

- 
1. Hirschi
  2. Attachment
  3. Commitment
  4. Involvement
  5. Belief

دارد و تمام افراد جامعه به طور مساوی در معرض آن هستند. منحرفان بدین علت از این قوانین اخلاقی سرپیچی می کنند که دل بستگی آن ها به جامعه ضعیف است. هیرشی یک جوان نقض کننده قانون را به عنوان فردی در نظر می گیرد که هنجارها و عقاید اجتماعی را رد می کند (سیگل و سنا، ۱۳۸۴: ۲۷۷).

ریچارد جسور (۱۹۹۸) در رابطه با رفتارهای پرخطر، یک مدل روانی - اجتماعی ارائه می دهد و بر این باور است که علاوه بر پیامدهای زیستی و بهداشتی، باید از همه پیامدهای بالقوه این رفتارها آگاه بود. بر اساس دیدگاه جسور تمایل جوانان به رفتارهای مختلف مشکل آفرین (پرخطر)، به دلیل گرایش درونی شدید فرد به سمت رفتارهای نابهنجار و نقض هنجارهای فرهنگی و اجتماعی مورد پذیرش همه افراد جامعه است (Rutter & et al, 2000: 30). مطابق با دیدگاه جسور، عوامل مربوط به رفتارهای پرخطر مانند: سابقه مصرف مواد توسط خانواده، فقر، مدل های رفتار انحرافی، فرصت های دریافتی پایین زندگی، عزت نفس پایین و رفتارهای مسئله دار باهم مرتبط می باشند. این نظریه فرد را در زمینه محیط اجتماعی مورد بررسی قرار می دهد و به عوامل مؤثر در انجام رفتار انحرافی یا بازداری از انجام آن ها، تمرکز می نماید (احمدی و معینی، ۱۳۹۴: ۱۳ به نقل از جسور، ۱۹۹۸).

نظریه بی سازمانی اجتماعی پیش از هر چیز به این نکته اشاره دارد که یک کل وجود دارد که اجزای آن بر اساس نظم خاصی با یکدیگر در ارتباط اند. بی سازمانی اجتماعی وضعیتی است که ممکن است در آن اجزای گوناگون، ارتباط منظم با یکدیگر را از دست بدهند و از ردیف خارج شوند (حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۵۸). بی سازمانی اجتماعی عبارت است از وضعیت عدم توفیق مقررات. سه نوع عمده بی سازمانی عبارت اند از: بی هنجاری، ستیز فرهنگی و اختلال. در وضعیت بی هنجاری؛ مقرراتی وجود ندارد که تعیین کند چگونه باید رفتار کرد. در وضعیت ستیز فرهنگی؛ حداقل دو مجموعه مقررات متضاد وجود دارند که چگونگی رفتار را معین می کنند. در چنین وضعیتی، کنشگران با عمل کردن به یک مجموعه از هنجارها از دیگر

مجموعه‌های هنجاری تخلف می‌کنند. اختلال حالت دیگری از ستیز فرهنگی است و زمانی روی می‌دهد که مقررات وجود دارد، اما هم‌نوایی با آن‌ها یا پاداش‌های تعهد شده را تأمین نمی‌کند و یا برعکس به مجازات ختم می‌شود. علت ریشه‌ای بی‌سازمانی اجتماعی، به‌طور کلی، تغییرات اجتماعی است. همین‌که تغییرات روی دهد، هماهنگی بخش‌های نظام اجتماعی مختل می‌شود (رایبگتون و واینبرگ، ۱۳۹۱: ۵۱).

بر اساس دیدگاه رابرت پارک، سنت‌ها، رسوم خانوادگی، همسایگی و به‌طور کلی محیط جامعه، اساس سازمان اجتماعی را شکل داده و بر مردم اعمال کنترل و نظارت می‌نمایند. اما در جوامع امروزی به دلیل شهرنشینی، صنعتی شدن و مهاجرت، اقتدار نظام‌های اجتماعی سنتی و تأثیرات یکنواخت آن‌ها مختل و به بی‌سازمانی اجتماعی شتاب بیشتری بخشیده است (همان، ۵۳). با توجه به گستردگی رفتارهای پرخطر که مصادیق فراوانی مانند: سیگار، قلیان، مشروبات الکلی، مواد مخدر، افکار خودکشی، رفتار پرخطر جنسی، رانندگی پرخطر و رفتارهای ضداجتماعی را شامل می‌شود در این پژوهش از بین نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، کنترل اجتماعی و نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی برای تبیین رفتارهای پرخطر به‌عنوان چارچوب نظری برگزیده شده است. چون این نظریه علل و شرایط بسترساز رفتارهای پرخطر را در بین همه عوامل فردی، نهادی و ساختاری در نظر گرفته و عوامل بیرونی و میان‌ذهنی را در شکل‌گیری این رفتارها دخیل می‌داند.

## روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر، کیفی و از نوع «نظریه مبنایی» یا گراند تئوری<sup>۱</sup> است. مقاله حاضر که مربوط به بخش کیفی رساله دکتری با عنوان تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای پرخطر است، با استراتژی اکتشافی درصدد شناسایی عوامل و زمینه‌های گرایش به رفتارهای

پرخاطر تمرکز دارد. در پژوهش حاضر جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و راهبرد نمونه‌گیری نظری با ۲۵ نفر از نوجوانان پسر ۱۴ تا ۱۹ ساله ساکن شهر کاشان و چند متخصص و مطلع از رفتارهای پرخاطر صورت گرفته است. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های موردنیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده است. برای تحقق هدف مورد نظر مصاحبه‌هایی به روش کیفی با زمانی بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه در محل مدارس، پارک‌ها و محلات شهر انجام شده است. پس از ارائه توضیحات لازم به شرکت‌کننده و کسب رضایت آگاهانه و رعایت ملاحظات اخلاقی و فراهم نمودن اجازه ورود و خروج در مصاحبه‌ها و تأکید بر ناشناختگی و محرمانه ماندن گفتگو اولین سؤال به این شکل طرح گردید:

- لطفاً بفرمایید با چه آسیب‌های اجتماعی در محل زندگی مواجه شده‌اید؟

- به نظر خود شما چه عواملی باعث شده‌اند این آسیب‌ها برای شما پیش بیایند؟  
و در ادامه سؤالات مواجهه‌ای از این قبیل مطرح گردیدند:

تا چه حد ناهمگونی جمعیت باعث آسیب اجتماعی در این محیط می‌شود؟  
خانواده شما چه نقشی در آسیب‌پذیری شما داشته‌اند؟

و نقش هر یک از عوامل و متغیرهای مستقل و مؤثر بر رفتارهای پرخاطر به‌طور جداگانه با مشارکت‌کننده به‌منظور دستیابی به دانش و تجربه زیسته فرد مطرح گردید. همچنین با افراد مطلع از رفتارهای پرخاطر سؤالات زیر مطرح شد:

- نوجوانان شهر شما چقدر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند؟

- لطفاً آسیب‌های اجتماعی که در محل زندگی شما وجود دارند و تهدیدکننده سلامت نوجوانان هستند را بیان بفرمایید.

- چه عواملی باعث آسیب‌پذیری نوجوانان در این محله شده‌اند؟

سؤالات بعدی بر مبنای محتوای گفتگوهای مشارکت‌کنندگان تدوین شد. فرایند گردآوری اطلاعات تا مرحله اشباع نظری پس از انجام ۲۵ مصاحبه ادامه یافت. داده‌ها

از طریق کدگذاری باز، محوری و گزینشی و در ترکیبی جدید به یکدیگر متصل و تعاریف اصلی رفتارهای پرخطر و شرایط علی ارتکاب این رفتارها و دلایل آنها استخراج گردید. پس از پیاده‌سازی متن کلیه مصاحبه‌ها در پایان هر مصاحبه و غربالگری آنها، تعداد ۴۸ کدباز (مفاهیم) استخراج و در مرحله بعدی در ۱۱ کد محوری (مقوله) مطابق جدول شماره ۱ نهایی گردیدند:

در این پژوهش سعی شد تا پیش‌فرض‌های نویسندگان وارد مصاحبه نگردد و از روش درون‌نگری همدلانه برای فهم معانی ذهنی کنشگران از مسئله رفتارهای پرخطر استفاده شود تا بتواند موقعیت‌های اظهارشده را از دیدگاه خود آنها درک نماید. در روش کیفی برای ارزیابی، از ملاک‌های اعتمادپذیری<sup>۱</sup>، باورپذیری<sup>۲</sup>، اطمینان‌پذیری<sup>۳</sup>، انتقال‌پذیری<sup>۴</sup> و تصدیق‌پذیری<sup>۵</sup> استفاده می‌گردد (فلیک، ۱۳۹۱: ۴۲۰). به پیروی از همین ملاک‌ها، در این مطالعه تلاش شد، چنین ملاک‌هایی تا حد ممکن رعایت گردد. حضور محققان در میدان، کنترل داده‌ها توسط اعضای میدان مورد مطالعه، تحمل و شکیبایی محققان از جمله مواردی است که می‌تواند به ارتقای کیفیت اعتبار در این تحقیق بینجامد.

### یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاضر پس از انجام مصاحبه‌ها، استخراج و تقلیل مفاهیم، تشکیل مقولات محوری و در آخرین مرحله برساخت مقوله اصلی بوده است. که در قالب شرایط علی، مداخله‌گر و بسترساز رفتارهای پرخطر در جدول زیر ارائه گردیده است:

- 
1. Truthworthines
  2. Credibility
  3. Dependability
  4. Transferability
  5. Confirmability

جدول ۱- مراحل کدبندی: باز، محوری و گزینشی

مقوله هسته	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	کدباز (مفاهیم)
رفتارهای پرخطر محصول بی‌سازمانی اجتماع	شرایط محیطی آسیب‌زا	دوستان هم‌محلله‌ای ناباب
		باب‌شدن رفتارهای آسیب‌زا در محله
		محله پرآسیب
		نبودن شادی و خوشی در جامعه
	چشم‌وهمچشمی	کم‌نیابردن در مقابل دوستان شون
		همگرایی با جمع
		حس خوب دیده شدن در جامعه
		مد شدن انجام رفتارهای پرخطر
	باورهای نادرست	اعتقاد به این‌که این رفتارها ضرر نداره
		احساس خود بزرگی
		تلقین دستیابی به آرامش
	زمینه خانوادگی	ازهم‌پاشیدگی خانواده
		اختلاف فکری با والدین
		آزادی بیش‌ازحد در خانواده
		نبودن شادی و خوشی در خانواده
		طرد شدن از طرف خانواده
		سخت‌گیری زیاد از طرف خانواده
		بی‌تفاوتی و عدم درک توسط والدین
		از دست دادن والدین
		عدم مهارت والدین در پرورش بچه‌ها
		درگیری و تنش درون خانواده
	وجود عضو دارای رفتار اعتیاد و غیره در خانواده	
	اثرپذیری رسانه‌ای	دیدن فیلم‌های پرحاشیه
		ترویج رفتارهای پرخطر توسط خواننده‌ها، بازیگران و رپرها در برنامه‌ها و صحنه‌ها



مقوله هسته	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	کدباز (مفاهیم)
	چالش اقتصادی	بیکاری
		فقر مالی
		فشار زندگی
		نداشتن پول
		هزینه بالای تفریحات سالم و بی‌خطر
	احساس بی‌عدالتی	احساس پارتی‌بازی و رابطه‌گرایی در جامعه
		عدم امکان اعتراض به وضعیت موجود
		ناراضی بودن افراد
	کژکارکردی نهادی	بی‌تفاوتی مدارس و دانشگاه‌ها در انجام وظایف محوله
		فراوانی رفتارهای پرخطر در مدارس و دانشگاه‌ها
		نداشتن تفریح و سرگرمی
	گسست روابط بین‌فامیلی	کنسل شدن رفت‌وآمدهای فامیلی
		داشتن فامیل دارای رفتار پرخطر
		پایین آمدن سطح اعتماد بین فامیل‌ها
	احساس تنهایی ناشی از شکست	احساس فشار عصبی
		شکست در زندگی، تحصیل و غیره
		اعتمادبه‌نفس پایین
		تجربه حادثه تلخ
		افسردگی
	تمایلات لذت‌جویانه	تنها شدن و تجربه بی‌وفایی
		عشق جوانی
		حس کنجکاوی و جستجوگری
		خواستن و دوست داشتن خود فرد

## شرایط علی

در این محور پنج مقوله شرایط محیطی آسیب‌زا، زمینه خانوادگی، چالش اقتصادی، احساس تنهایی ناشی از شکست و تمایلات لذت‌جویانه و ۳۰ مفهوم به‌عنوان شرایط علی شناسایی شده‌اند.

### شرایط محیطی آسیب‌زا:

این مقوله برگرفته از کدهای مفهومی: وجود دوستان ناباب در محله، باب‌شدن رفتارهای پرخطر در محله، وجود محله پرآسیب و نبودن شادی و خوشی در جامعه می‌باشد که این شرایط باعث گرایش و شیوع رفتارهای پرخطر گردیده است.

در این قسمت به چندین مصاحبه اشاره می‌گردد:

[... محله‌ای که زندگی می‌کنیم پر از دعوا و درگیری و خیلی رفتارهای ناجور دیگری هست آلان به‌گونه‌ای است که اگر فردی این رفتارها را انجام نده جوان نیست و بعداً در زندگی بخصوص موقع ازدواج دچار مشکل میشه...] (کد ۱۷، ۲۵ ساله). یا مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان نمود: [... ما را که اینجا می‌بینی همه باهم دوست هستیم و همیشه هم اینجا هستیم بزار یکی از اون کارهای پرخطر انجام بدم (روشن کردن سیگار) هر چی به فکرتون میاد باهم انجام می‌دیم...] (کد ۱۸، ۲۲ ساله).

دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ای دیگر:

[فضایی که بر محیط شهر و محله ما حاکم هست همه‌اش غمگینی و مراسمات این شکلی هست هیچ خوشی و شادی ماها نداریم...] (کد ۲۲، ۲۴ ساله). در اکثر مصاحبه‌ها، پاسخگویان به شکل‌های گوناگون به این مقوله اشاره داشته و بر شرایط محیطی آسیب‌زا به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار تأکید فراوانی داشته‌اند. بنابراین زمانی که بی‌زمانی در محله و روابط بین فردی حاکم می‌شود، زمینه شکل‌گیری، تداوم و بازتولید رفتارهای پرخطر و گرایش به آسیب‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.

### زمینه خانوادگی

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: وجود عضو دارای رفتار اعتیاد و غیره در خانواده، درگیری و تنش درون خانواده، عدم مهارت والدین در پرورش بچه‌ها، از دست دادن والدین، بی‌تفاوتی و عدم درک توسط والدین، سخت‌گیری زیاد از طرف خانواده، طرد شدن از طرف خانواده، نبودن شادی و خوشی در خانواده، آزادی بیش‌ازحد در خانواده، اختلاف فکری با والدین و ازهم‌پاشیدگی خانواده ساخته‌شده است.

مصاحبه‌شونده‌ای بیان کرد:

[... خانواده‌ای که توش بزرگ شدی خیلی مهمه وقتی پدرت یا برادرای بزرگ‌ترت این رفتارها را داشته باشن خودبه‌خود هر فردی توی هم‌چین خانواده‌ای باشه حدود سن ۱۴ سالگی توی این کارها می‌افته ...] (کد ۲۴، ۲۳ ساله).

یا اظهارات این مصاحبه‌شونده:

[... وقتی داخل خانواده آرامش و شادی نباشه و همه‌روزه تنش و درگیری باشه دل آدم پر از غم می‌شه و میاد بیرون که پای فرد به‌جاهای نامناسب مثل پارک‌ها باز میشه... اما اگر شرایط خانواده شاد و متعادل باشه جوان که بیست سالش شد جامعه هر چی پر از آسیب باشه این‌ها سالم می‌مانند] (کد ۱۷، ۲۵ ساله).

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان نمود:

[... وقتی داخل خانواده سخت‌گیری بیش‌ازحد باشه آدم دل‌زده می‌شه و بچه مثل اژدهای سه سر میشه... آزادی منطقی توی خانواده لازمه آدم زود بزرگ میشه...] (کد ۱۸، ۲۲ ساله).

اظهارات مصاحبه‌شونده زیر مطابق دیدگاه فوق است:

[... رفتار خانواده‌ها متعادل نیست اگر والدین بچه‌ها را پذیرش کنن و با آرامش بچه را تحویل بگیرن هنجارشکن نمی‌شن...] (کد ۱، مطلع، مرد ۴۸ ساله).

یا اظهارنظر این مصاحبه‌شونده:

[... خانواده به چیزی که اهمیت نمی دن نحوه تربیت بچه‌ها است اصلاً حاضر نیستن یک کتاب هم در مورد تربیت بچه‌ها و خانواده بخونن و خودشون را از آموختن مهارت‌ها بی‌نیاز می بینن ...] (کد ۲، جامعه شناس ۶۰ ساله).

با توجه به مفاهیم حاصل شده از تحلیل مصاحبه‌ها، نقش خانواده در جامعه‌پذیری فرزندان اساسی است، همچنین نتیجه مصاحبه‌های فوق دلالت بر این دارند که امروزه خانواده‌ها در انجام وظایف اصلی خود ناتوان بوده و خود خانواده‌ها در مواردی باعث رفتن فرزندان‌شان به سمت رفتارهای پرخطر می شوند.

### چالش اقتصادی

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: بیکاری، فقر مالی، فشار زندگی و نداشتن پول ساخته شده است.

مصاحبه‌شونده‌ای بیان نمود:

[... این‌ها را که می‌بینی همه بیکارن و از این‌که وقت زیادی دارن میان این محیط (پارک) جمع می شن و سیگار و گل و همه چی می زنن اگر کار باشه خود من فرصتی برام نمی مونه برم دنبال این کارها، انجام هم‌چنین رفتارهایی فقط از بیکاری و نداشتن شغله ...] (کد ۱۹، ۲۴ ساله).

بر این مبنای، عدم مشغولیت افراد به‌خصوص جوانان، تشدیدکننده گرایش به آسیب‌های اجتماعی شده است.

یا مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان نمود:

[... همه‌اش از بی‌پولی هست وقتی پول داشته باشی سراغ تفریحات سالم مثل باشگاه، استخر، کافه و ... میری. برای یک تفریح سالم و لذت‌بخش مثل استخر هزینه‌اش ۵۰ هزار می شه اما با ۵ هزار تومن می تونی مواد، عرق (مشروب) به راحتی گیر بیاری ...] (کد ۱۵، ۲۳ ساله).

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان نمود:

[... ما حسرت همه چی به دلمون مونده از بس تا حالا بهمون سخت گذشته و تحت فشار بودیم نتونستیم یک حرکت مثبتی را انجام بدیم ...] (کد ۱۶، ۲۲ ساله).  
نتیجه مصاحبه در این بخش، نمودار داغی از نوع تسلیم و سکون جوانان است که ریشه در مشکلات مالی و بیکاری آنها دارد.

### احساس تنهایی ناشی از شکست

این مقوله برگرفته از کدهای مفهومی: احساس فشار عصبی، شکست در زندگی، تحصیل و غیره، اعتمادبه‌نفس پایین، تجربه حادثه تلخ، افسردگی و تنها شدن و تجربه بی‌وفایی می‌باشد، که بر اساس ناکامی‌ها و شکست‌های زندگی افراد احساس تنهایی می‌کنند.

مصاحبه‌شونده‌ای اظهار نمود:

[... می‌بینی برات یک حادثه تلخی اتفاق می‌افته که خیلی بهت فشار میاره و برای این که بتونی با اون کنار بیای سمت استفاده از موادی میری که تا حدی آروم بکنن ...] (کد ۷، ۱۸ ساله).

یا مصاحبه‌شونده‌ای دیگر اظهار نمود:

[... شرایط جوری پیش آمده؛ همه‌اش شکست؛ عشقت تنهات میزاره، از تحصیل جا موندی و خودت مقایسه می‌کنی با دیگران می‌بینی خیلی عقب موندی دیگه میری سراغ این رفتارها و بین جوان‌ها یک رسم شده ...] (کد ۹، ۲۰ ساله).

تحلیل مصاحبه‌های بالا نشان از نقش ناکامی افراد در میدان‌های مختلف زندگی و گرایش آنها به سمت رفتارهای پرخطر دارد. وقتی افراد در موقعیت‌های مختلف زندگی با شکست مواجه می‌شوند، این حوادث تلخ برای آنها سنگین و غیرقابل تحمل می‌گردد و فرد به دنبال راه‌حلی برای فرار از احساس تنهایی می‌گردد که گرفتار رفتارهایی مانند مصرف مواد و روان‌گردان‌ها می‌شود.

### تمایلات لذت جویانه

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: عشق جوانی، حس کنجکاوی و جستجوگری، خواستن و دوست داشتن خود فرد و احساس لذت و خوشی ساخته شده است.

مصاحبه‌شونده‌ای بیان کرد:

[... این‌ها یک چیزی بین خودشون دارن که می‌گه: وقتی سرت درد می‌گیره دوست داری یک چیزی بشه تسکین روحت میگی عشق مسیرش دوره تنها راهی که نزدیکه دوده اونم که اسیر پوله همه چی پوله همه چی پوله پوله...] (کد ۱۰، ۱۸ ساله).

یا فرد دیگری معتقد بود:

[... عشق انجام این کارها را دارن ... طرف می‌گه یک‌بار انجام بده خوبه، اگر بد بود با من؛ فرد هم وسوسه می‌شه...] (کد ۲۰، ۱۶ ساله) و مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان کرد:

[... خیلی برام جذابیت داره هر چیزی را امتحان کنم ... وقتی سه نفر می‌بینی کاری انجام می‌دن منم که اعصابم خردشده می‌بینم اونها شاد شدن منم مصرف می‌کنم شاد بشم ... و هر چی فکرش را می‌کنی من استفاده کردم و تجربه‌اش را دارم و این برام لذت‌بخشه ...] (کد ۲۱، ۱۵ ساله).

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر نیز بیان کرد:

[... احساس خوشی فراوانی پس از انجام این کارها بهم دست می‌ده و برای همین تا حالا هم نتونستم کنارشون بزارم ...] (کد ۱۱، ۱۷ ساله).

با توجه به مفاهیم حاصل شده از تحلیل مصاحبه‌ها، حس لذت‌جویی و کنجکاوی در مصاحبه‌های بالا موج می‌زند و بیشتر بر اساس تحریک اطرافیان، فرد تمایلش به سمت رفتارهای پرخطر افزایش می‌یابد.

## شرایط زمینه‌ای

در این پژوهش سه مقوله کژکارکردی نهادی، احساس بی‌عدالتی و گسست روابط بین فامیلی و ۹ مفهوم شرایط زمینه‌ای پژوهش را تشکیل داده‌اند.

### کژکارکردی نهادی

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: مدارس و دانشگاه‌ها وظایف خود را به‌خوبی انجام نمی‌دن، در مدرسه از این رفتارها زیاد می‌بینن و وسوسه می‌شن و نداشتن تفریح و سرگرمی ساخته شده است.

مصاحبه‌شونده‌ای معتقد بود:

[... بیشتر این رفتارها، ما در مدرسه باهاشون آشنا شدیم و به سمت اونها رفتیم و آلان هم اسیر این بدبختی‌ها شدیم ...] (کد ۶، ۱۴ ساله).

پاسخ یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه:

[... در محیط مدرسه و دانشگاه بایستی نظارت بیشتری بکنن و آموزش‌های متفاوت‌تری ارائه بدن تا بچه‌ها سمت این جور کارها نرن ...] (کد ۵، آسیب شناس، مرد ۶۵ ساله).

یا مصاحبه‌شونده دیگری بیان نمود:

[... وقتی امکانات تفریحی برامون فراهم نیست باکارهایی خودمون رو سرگرم می‌کنیم که به این کارها عادت کردیم ...] (کد ۱۳، ۲۰ ساله).

بر این اساس به‌جای این‌که نهادهایی مانند مدرسه، دانشگاه و اوقات فراغت زندگی همراه با موفقیت‌هایی برای مخاطبان خود فراهم نمایند، اما در مواردی به محلی برای یادگیری و گسترش آسیب‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند.

### احساس بی‌عدالتی

این مقوله برگرفته از کدهای مفهومی: احساس پارتی‌بازی و رابطه‌گرایی در جامعه، عدم امکان اعتراض به وضعیت موجود و ناراضی بودن افراد می‌باشد.

مصاحبه‌شونده‌ای بیان کرد:

[... الان اگر کسی پارتی نداشته باشه باید بمیره. همه کارها رابطه‌ای شدن کسی به جوان‌ها کار نمی‌ده ... طرف در کارهایی موفق بوده چون پارتی نداشته ول کرده معتاد شده ...] (کد ۴، مطلع ۳۷ ساله).

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان نمود:

[... حقیقتش ما از این وضعیت که داریم خسته و ناراضی هستیم و راه اعتراض ما جوان‌ها را بستن. به خاطر نبود آزادی در جامعه ما به این رفتارها پناه می‌بریم و خودمون را به بی‌خیالی می‌زنیم ...] (کد ۲۲، ۲۴ ساله).

بر این اساس لایه‌هایی از نوجوانان و جوانان شهر کاشان به دلایل گوناگون و در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از وضعیت موجود خسته و ناراضی بوده و به سمت رفتارهای پرخطر متمایل گشته‌اند.

### گسست روابط بین فامیلی

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: کنسل شدن رفت‌وآمدهای فامیلی، داشتن فامیل دارای رفتار پرخطر و پایین آمدن سطح اعتماد بین فامیل‌ها ساخته شده است. مصاحبه‌شونده‌ای معتقد بود:

[... الان همه رفت‌وآمدهای بین خانوادگی و فامیلی کم شده قبلاً خانه پدربزرگ، مادربزرگ، عمه، خاله‌ای می‌رفتند یا فامیل‌ها می‌آمدن و سرگرم می‌شدیم و وقت رفتن به سمت این کارها نداشتی الان چقدر خونه بمونی میای بیرون و گرفتار این کارها می‌شی. ...] (کد ۳، مطلع، زن ۳۰ ساله).

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان کرد:

[... وقتی در دایره فامیلهات افراد اهل این کارها پیدا میشه شما هم هم‌رنگ اونها می‌شی و اگر هم مقاومت کنی برای این‌که فقط اونها انگشت‌نما نباشند شما را هم با خودشون جذب می‌کنن ...] (کد ۱۲، ۱۶ ساله).



مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان کرد:

[... آآن ارتباط بین خانواده‌ها کم شده مشکلی پیش بیاد کس آشنایی نیست بهش اعتماد کنن به سمت غریبه‌ها می زن و آن‌ها هم سوءاستفاده می کنن و خیانت می کنن ...] (کد ۵، آسیب شناس، مرد ۶۵ ساله).

آنچه از دیدگاه شرکت‌کنندگان در رابطه با این مقوله‌های زمینه‌ای برداشت می‌شود این است که شرایط خانوادگی و نهادی، همراه با نارسایی در فرآیندهای جامعه‌پذیری در شکل‌گیری و گرایش به رفتارهای پرخطر نقش اساسی دارند.

### شرایط مداخله‌گر

سه مقوله چشم‌وهم‌چشمی، باورهای نادرست و اثرپذیری رسانه‌ای به‌عنوان شرایط مداخله‌گر و در ۹ مفهوم تعیین شدند.

### چشم‌وهم‌چشمی

این مقوله بر اساس: کم‌نیارودن در مقابل دوستان، همگرایی با جمع تا طرد و تحقیر نشوند، مد شدن انجام رفتارهای پرخطر و حس خوب دیده شدن در جامعه ساخته شده است.

مصاحبه‌یکی از پاسخگویان در این زمینه:

[... وقتی دوستت تعارف می کنه شما هم برای این که کم نیاری باش همراهی می کنی و این باعث می شه در این جور کارها بیفتی...] (کد ۱۴، ۱۵ ساله).

مصاحبه‌شونده دیگری به‌صراحت اظهار نمود:

[... الان شرایط جامعه به‌گونه‌ای هست که باید این کارها را انجام بدی و اگر اهل این کارها نباشی کسی روت حساب نمی کنه...] (کد ۲۳، ۲۴ ساله).

محتوای این مصاحبه‌ها حاکی از این است که وقتی در محیط‌های دوستانه و همسالان رفتارهای ضداجتماعی باب و مد می‌شوند، جوانان و نوجوانان برای هم‌رنگی با جماعت اطراف خود، گرفتار این رفتارها می‌شوند.

### باورهای نادرست

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: اعتقاد به ضرر نداشتن رفتارهای پرخطر، احساس بزرگ شدن، تلقین این‌که اگر مواد بکشن یا یک سری کارها انجام بدن روحیه اونها خوب می شه و به‌عنوان یکی از شرایط مداخله‌گر دیگر شناسایی گردیده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان عقیده داشت:

[... چون فکرمی کنن این کارها برایشون ضرر نداره و اگر این کارها را انجام بدن تأثیر مثبت بر روی روحیه اونها داره یک‌بار استفاده می کنن و گرفتار می شن...] (کد ۱۹، ۲۴ ساله).

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر اظهار نمود:

[... فرد با کشیدن سیگار و یکسری کارهای دیگه این احساس بهش دست می ده که بزرگ شده ...] (کد ۲۵، ۱۸ ساله).

باورهای رایج در محیط پژوهش، رواج رفتارهای پرخطر را توجیه می‌نماید، این باورها از دوران کودکی سعی در القای برتر بودن و سرآمد بودن از همسالان دارد، به‌گونه‌ای که هر فرد، خشونت و پرخاشگری در برابر هر حرکت و کنشی را واکنش طبیعی خود تلقی می‌نماید.

### اثرپذیری رسانه‌ای

این مقوله بر اساس کدهای مفهومی: دیدن فیلم‌های پرحاشیه و ترویج رفتارهای پرخطر توسط خواننده‌ها، بازیگران و رپرها در برنامه‌ها و صحنه‌ها ساخته شده است. مصاحبه‌شونده‌ای معتقد بود:

[... یکسری فیلم‌ها هستن حاشیه زیاد درشون هست و باعث تحریک فرد به انجام رفتارهای پرخطر می شن... یا حتی توی فیلم‌های خودمون هم آدم فقط حسرت به نداشته هاش می خوره، در صورتی‌که رسانه باید آزادی و طرز فکر مثبت در جامعه رو القاء بکنه...] (کد ۲۳، ۲۴ ساله).

مصاحبه‌شونده‌ای دیگر بیان کرد:

[... وقتی می‌بینی خواننده و یا بازیگر موردعلاقه‌ات در برنامه‌اش این کارها را انجام می‌ده هرکسی که باشی پیروی می‌کنی.... اصلاً فیلم‌ها، تبلیغات این رفتارها را می‌کنن ...] (کد ۸، ۱۷ ساله).

آنچه از دیدگاه شرکت‌کنندگان در رابطه با این مقوله‌های زمینه‌ای برداشت می‌شود این است که شرایط فرهنگی حاکم بر محیط زندگی در گسترش رفتارهای پرخطر افراد نقش اساسی دارد.

#### مقوله هسته‌ای پژوهش

در این پژوهش پس از انجام چندین گام شامل انجام مصاحبه، کدبندی اولیه، غربال‌گری و کدبندی انتخابی، نهایتاً مقوله هسته با عنوان «رفتارهای پرخطر محصول بی‌سازمانی اجتماع» انتخاب شد. چون توان تحلیل مقولات پیشین را دارد و از طرفی رفتارهای پرخطر و اعمال آن به‌نوعی نمایشگر شکل‌های مختلف بی‌سازمانی در همه موقعیت‌های جامعه است، پس این مقوله در سطح انتزاعی‌تری قرار دارد. مقوله هسته در فرآیند کدگذاری انتخابی خلق می‌شود. این نوع کدگذاری فرآیند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت خلق نظریه است. محقق باید در داده‌ها غرق شود و به تعمق بپردازد تا بتواند پیوند بین مقوله‌ها را یافته، آن‌ها را پالایش داده، باهم یکپارچه کرده و نهایتاً نظریه را استخراج کند. مقوله هسته در بردارنده مضمون اصلی پژوهش است و از تمام مقولات تحقیق منتزع می‌شود و می‌تواند در چند کلمه خلاصه شود به‌طوری‌که تمامی مقوله‌ها و مفاهیم به‌دست‌آمده را در برگیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵).

## بحث و نتیجه‌گیری

گرایش به رفتارهای پرخطر یکی از مسائل اجتماعی اصلی افراد بخصوص نوجوانان در شهر کاشان است که این نوع از سبک زندگی با سلامت خود فرد، خانواده و جامعه در ارتباط است. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی رفتارهای پرخطر و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی شیوع و تداوم آن در بین نوجوانان و جوانان شهر کاشان است. بنابراین سؤال اساسی و محوری پژوهش حاضر واکاوی زمینه‌های گرایش به رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان بوده و بر اساس پیگیری خط اصلی داستان در چارچوب مدل پارادایمی و با ارائه نظریه زمینه‌ای با عنوان «رفتارهای پرخطر محصول بی‌سازمانی اجتماع» دنبال می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مصرف سیگار، مصرف عرق (مشروبات الکلی)، مصرف گل و مواد مخدر، رفتار جنسی محافظت نشده، مصرف قلیان، رانندگی پرخطر و رفتارهای ضداجتماعی شامل (خشونت و درگیری، سرقت، خریدوفروش مواد) رفتارهای پرخطر در نمونه مورد مطالعه بوده‌اند.

مهم‌ترین عوامل اجتماعی که در گسترش و شیوع رفتارهای پرخطر نقش داشته‌اند شامل: زمینه خانوادگی، گسست روابط بین‌فامیلی، کژکارکردی نهادی، احساس بی‌عدالتی، شرایط محیطی آسیب‌زا و چالش‌های اقتصادی در عرصه خانواده و اجتماع هستند. بر مبنای عوامل ذکرشده نتایج پژوهش حاضر بیانگر این حقیقت است که با فرسایش و زوال کارکردهای اساسی نهادهای مهم جامعه مانند خانواده، نظام مراقبت پلیس، مدرسه و محله، انواع رفتارهای پرخطر به تناسب سطح بی‌سازمانی در لایه‌های جامعه نمود می‌یابند. همچنین مهم‌ترین عوامل فرهنگی که در پژوهش حاضر تشدیدکننده رفتارهای پرخطر بوده‌اند شامل اثرپذیری رسانه‌ای، باورهای نادرست، چشم‌وهمچشمی، احساس تنهایی و میل به لذت‌طلبی در افراد و گروه‌های هم نوع هستند.

در این خصوص نتایج پژوهش حاکی از این است که در سطح جامعه مورد مطالعه تغییرات ارزشی در رفتارها و هنجارهای افراد به خصوص نوجوانان و جوانان صورت گرفته است و این حرکت در مسیر مظاهر و ارزش‌های مدرنیته باعث تغییر و جابجایی سبک زندگی سلامت‌محور که در گذشته حاکم بود به سبک زندگی مبتنی بر لذت طلبی و خوش‌گذرانی آمیخته با رفتارهای پرخطر تبدیل گشته است. بدین معنا، افراد زمانی به سمت رفتارهای پرخطر متمایل می‌شوند که جامعه از حالت تعادل خارج گشته و به نوعی عدم تعادل در خرده نظام‌های آن نمودار می‌گردد. در نتیجه هم‌زمان با کاهش کارکرد و نقش‌آفرینی خانواده و سایر عوامل اصلی جامعه‌پذیری، جامعه شاهد گسترش رفتارهای پرخطر و بازتولید آن در نسل‌های بعدی با توجه به مقوله اصلی زمینه خانوادگی خواهد بود. یعنی اگر روند تحولات اجتماعی به همین روش ادامه داشته باشد قطعاً علاوه بر مشاهده بیشتر رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان، شاهد رفتارهای پرخطر نوظهور و جدیدتری در عرصه اجتماع در آینده خواهیم بود.

یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات رحمتی نجار کلائی و همکاران (۱۳۸۹) مبتنی بر ضعف حمایتی خانواده، مرقاتی خوبی و همکاران (۱۳۹۳) نقش جامعه‌پذیری، آتش نفس و همکاران (۱۳۹۳) شیوه‌های فرزند پروری والدین، محمودی (۱۳۹۵) دل‌بستگی به خانواده، همنشینی با گروه همسالان و استفاده از رسانه‌های جمعی، عزیزادگانی و همکاران (۱۳۹۶) لذت‌جویی و ارتباط ناهمسالان، وجدانی (۱۳۹۷) پیوند والدین، رضایی جمالویی و همکاران (۱۳۹۸) سبک‌های دل‌بستگی، بال (۲۰۰۵) نقش محرک‌های تنش‌زا، رایت و فیتزپاتریک (۲۰۰۶) روابط بین والدین و فرزندان، کوران (۲۰۰۷) ابعاد سرمایه اجتماعی، توبلر و کومرو (۲۰۱۰) نظارت و کنترل والدین و تعاملات خانواده، گوتیرز و آتینزو (۲۰۱۱) محیط زندگی، اسکینر و همکاران (۲۰۱۴) زمینه خانوادگی، وزینا و همکاران (۲۰۱۵) عوامل خانوادگی و وجود همسالان بزهکار، تام و همکاران (۲۰۱۶) احساس بیگانگی اجتماعی و بی‌هنجاری، داسپه و همکاران (۲۰۱۸) صمیمیت خانوادگی و شرما و همکاران (۲۰۱۹) مبتنی بر نقش عوامل محافظتی همخوانی دارد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، علت شیوع و گسترش رفتارهای پرخطر تحت تأثیر مکانیسمی است که ترکیبی از بی‌سازمانی خانوادگی، نهادی و محیطی همراه با فشارهای مضاعف اجتماعی، روانی و اقتصادی پدیدار می‌گردد، یعنی زمانی که نهادها و ساختارهای یک جامعه دچار کژکارکردی می‌شوند، شرایط برای شکل‌گیری و تداوم آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر فراهم می‌گردد و در افراد، زمینه برای بازی و کنش رفتارهای پرخطر نمودار می‌گردد. بنابراین مکانیسم رفتارهای پرخطر پدیده‌ای چند سطحی است و ریشه در متن مناسبات اجتماعی در سطح خرد، میانه و کلان دارد. با توجه به پیامدهای رفتارهای پرخطر، اهمیت دادن به آن امری لازم و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. به نظر می‌رسد راه کاهش رفتارهای پرخطر، سامان دادن به جامعه در همه بخش‌ها و آموزش اخلاقیات از طریق عاملان جامعه‌پذیری مانند: خانواده‌ها، مدارس، رسانه‌ها و غیره به افراد می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر همسو با نظریه محیطی - اجتماعی، همنشینی افتراقی و کنترل اجتماعی است که بر نقش تعامل دوستان، والدین، ساختار خانواده و محیط در بروز رفتارهای آسیب‌زا تأکید می‌کرد.

### پیشنهاد‌های پژوهش

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نوجوانان زمانی کمتر به سمت رفتارهای پرخطرمی روند که از یک خانواده بسامان برخوردار باشند، بنابراین پیشنهاد این پژوهش به مدیران، قانون‌گذاران، مددکاران و برنامه‌ریزان به‌خصوص در سطوح بالا، سامان‌دهی به امر خانواده در حوزه‌های مختلف می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که در صورت ایجاد اشتغال و سازمان کار برای جوانان، زمینه انجام رفتارهای پرخطر از بین می‌رود که در این خصوص پیشنهاد می‌گردد، از راه‌های مختلف زمینه اشتغال جوانان در بخش‌های مختلف فراهم گردد. بنابراین مشغولیت نوجوانان و جوانان

در فعالیت‌های سالم و مولدی که باعث توسعه و ترقی فرد می‌گردد، پایه و اساس راهکارهایی است که از رفتارهای پرخطر جلوگیری می‌کند. با توجه به این‌که تعمیم‌دهی نتایج پژوهش‌های کیفی با انجام پژوهش کمی رفع می‌گردد محققان درصدد هستند در پژوهش‌های بعدی بر اساس نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر، اقدام به انجام تحقیق پیمایشی نمایند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر و با توجه به علل، شرایط مداخله‌گر و زمینه‌های مختلف رفتارهای پرخطر، ضرورت ایفای نقش مددکاری اجتماعی در سطح خرد (فردی)، میانه (خانواده و نهادها) و کلان (تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های کلان راهبردی) برجسته و بی‌بدیل می‌باشد.



## منابع

- احمدی، حبیب و معینی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول: ۱-۲۴.
- استارک، رادنی. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی استارک*، ترجمه: طباطبائی، نسرین، پورجعفری، محمد، تهران: نشر ثالث.
- اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آتش‌نفس، الهه و همکاران. (۱۳۹۳). رفتارهای پرخطر شایع و عوامل خانوادگی مؤثر بر آن از دیدگاه نوجوانان: یک پژوهش کیفی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ۱۰، شماره ۳۸: ۲۳۳-۲۱۷.
- حسینی نثار، مجید، فیوضات، ابراهیم (۱۳۹۰). *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*، تهران: نشر پژوهاک.
- رایبینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین. (۱۳۹۱). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه: رحمت‌اله صدیق سروسستانی، تهران: انتشارات موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- رحمتی نجار کلائی، فاطمه و همکاران. (۱۳۹۰). عوامل فردی مؤثر در اتخاذ رفتارهای پرخطر منجر به ایدز: یک مطالعه کیفی، *فصلنامه پایش*، سال دهم، شماره دوم: ۲۱۵-۲۰۵.
- رضایی جمالویی، حسن؛ حسینی، جعفر و نورمحمدی، محمد. (۱۳۹۸). نقش سبک‌های دل‌بستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مقطع متوسطه دوم، *فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، شماره ۷۵: ۱۱۲-۱۲۱.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۳). *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه: هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۲). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: ثلاثی، محسن، تهران: انتشارات علمی.



زمینه‌های گرایش به رفتارهای پرخطر در بین ... ۲۰۱

- سپیدنامه و همکاران. (۱۳۹۵). شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی)، *فصلنامه توسعه محلی*، دوره هشتم، شماره ۱: ۱۶۷-۱۹۸.

- سیگل، لاری؛ سنا، جوزف. (۱۳۸۴). *بزهکاری نوجوانان*، ترجمه: علی‌اکبر تاج‌زینانی و فرامرز ککولی دزفولی، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.

- شاطریان، محسن؛ گنجی‌پور، محمود. (۱۳۸۹). تأثیر مهاجرت افغان‌ها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر کاشان، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال اول، شماره سوم: ۸۳-۱۰۲.

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران: انتشارات سمت.

- علیزادگانی، فاطمه؛ اخوان تفتی، مهناز و خادمی، ملوک. (۱۳۹۶) بررسی علل گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر تهران، *انتظام اجتماعی*، دوره ۹ شماره ۲: ۱۲۸-۱۰۳.

- فلیک، اووه. (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ اول.

- ماهر، فرهاد. (۱۳۸۳). رفتارهای پرخطر در اوقات فراغت جوانان، روندها و الگوها، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره ۶: ۱۱۸-۱۴۴.

- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم*، تهران: نشر آن.

- محمدخانی، پروانه و همکاران. (۱۳۸۷). نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر در نوجوانان تهران، *فصلنامه علوم اجتماعی و رفاه اجتماعی دانشگاه شاهد*.

- نیازی، محسن. (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات نوین.

- وجدانی، نجمه. (۱۳۹۷). پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس عدم تحمل بلاتکلیفی و پیوند والدینی در نوجوانان، *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، شماره ۴۰: ۱۱۳۷-۱۱۵۰.

- ویلیامز و همکاران. (۱۳۸۳). *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.

- هیوز، مایکل و کرولین جی، کرولر. (۱۳۹۵). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: مهرداد هوشمند، و غلامرضا رشیدی، تهران: انتشارات سمت.

- Ball Joanna, (2005). *The moderating effect of family factors on the relation ship between life time traumaerent exposure and jurenile delin queny in a sample of male jurenile offenders*, disser tation PHD Georgia stateuniversity.
- Beirne, P. J. W. Messerschmid. (2011). *Criminology: A Sociological Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Brown, S. E., F. Esbensen, G. Geis (2013). *Criminology: Explaining Crime and Its Context*. New York: Elsevier, Inc.
- Bonino, S., Cattelino, E., Ciairano, S. (2005). *Adolescents and Risk: Behavior, Functions and Protective Factors*. New York: Springer Publications.
- Crosby, R. A., Santille, J, S., DiClemente, R, J. (2009). *Adolescent Health: Understanding and Preventing Risk Behaviors*, San Francisco: Jossey-Bass.
- Coleman, wiliam james&cressey, Donald R, (1992). *social problems*. USA Hdper Collins college publisher.
- Curran, E, M. (2007). The Relationship between Social Capital and Substance Use by High School Students, *Journal of Alcohol & Drug Education*, 51(2), 59-73.
- Daspe, M. È., Arbel, R., Ramos, M. C., Shapiro, L. A., & Margolin, G. (2018). Deviant peers and adolescent risky behaviors: The protective effect of nonverbal display of parental warmth. *Journal of Research on Adolescence*.
- Jessor, R., Jessor, S. L. (1977). *Problem behavior and psychosocial development: a longitudinal study of youth*. New York: Academic Press.
- Rensburg, C., & Surujlal, J. (2013). "Gender differences related to the health and lifestyle patterns of university students". *Health SA Gesondheid (Online)*, 18(1),1-8.

- Rutter, M. (2000). "Transitions & turning points in developmental psychopathology: as applied to the age span between childhood & mid – adulthood." *International Journal of Behavioral Development*. No 19.
- Ruisoto, P., Cacho, R., López-Goñi, J. J., Vaca, S., & Jiménez, M. (2016). Prevalence and profile of alcohol consumption among university students in Ecuador. *Gaceta Sanitaria*, 30(5), 370-374.
- Reekless, W. (1976) the crime problem. New york, Appleton3.
- Sales, J.M., Irwin, J., Charles, E. (2009). Theories of Adolescent Risk Taking: The Biopsychosocial Model, *Journal of public Health*, 36(5), pp: 31-50.
- Sharma, S., Mustanski, B., Dick, D., Bolland, J., & Kertes, D. A. (2019). Protective Factors Buffer Life Stress and Behavioral Health Outcomes among High-Risk Youth. *Journal of abnormal child psychology*, 1-13.
- Siegel, L. J. (2012). *Criminology: Theories, Patterns and Typologies*, Wadsworth Publishing.
- Skinner, M; Fleming, C, Haggerty K; Catalano, R. F. (2014). Sex Risk Behavior Among Adolescent and Young Adult Children of opiate Addicts. *Prevention Science*. 15(1): 77-70.
- Tobler, A, L., Komro, K. A. (2010). Trajectories of parental monitoring and communication and effects on drug use among urban young adolescents. *Journal of Adolescents Health*, 46(6), 560-568.
- Taracy, sarah, (2013). *Qualitative research methods, publication*: Welly blackwel.
- Tu, X, C., Lou, E., Gao, N., Li, L., S. Zabin. (2012). The Relationship between Sexual Behavior and Nonsexual Risk Behaviors among Unmarried Youth in Three Asian Cities." *Journal of Adolescent Health*, 4(50), pp: 75-82.
- Vezina, J., Herbert, m., Poulin, F. (2015). Histoty of family violence childhood behavior problems and adolescent high risk behavior as pridicator of girls repeated pettebs of dating victimization in two developmental periods, *Journal of Violence Against Women*, 21(4), 435-459.